

تخفیف تک‌واژهای اشتقاقی و صرفی

عباسعلی وفايي *

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

چکیده

زبان همچون دیگر پدیده‌های اجتماعی و طبیعی پیوسته در تغییر و دگرگونی است؛ این تغییر در ابعاد مختلف زبان صورت می‌گیرد؛ یکی از مباحث زبانی در حوزه تحول‌های واژگان و واک‌هاست؛ گاهی در معنا و گاهی در تغییر مقوله‌ها و زمانی نیز در ابدال و قلب و تخفیف و دیگر گونه‌های آن؛ این مقاله می‌کوشد فقط مبحث کاهش تک‌واژهای اشتقاقی و صرفی در واژگان زبان فارسی را بررسی نماید و سهم تخفیف این تک‌واژها در میان تخفیف‌های صامت و مصوت و هجاها را باز نماید و با برشمردن تخفیف‌های رایج در این مبحث آنها را با توجه به نوع مقوله‌های زبانی تنظیم کند؛ مباحثی که کاملاً تازگی دارد و کتاب‌های دستور زبان بدان نپرداخته‌اند و تحقیقی در این باره ارائه نشده است.

کلیدواژه‌ها: تخفیف، تک‌واژ، مشتق، صفت، فاعلی، مفعولی.

*. E-mail: a_a_vafaie@yahoo.com

مقدمه

تخفیف در لغت به معنی سبک کردن (نک: دهخدا، ۱۳۷۷)، سبکی، سبک کردگی، ملایمت و تسکین و کمی و کم کردگی و کاستگی است و در اصطلاح زبانی، اختصار کلمه است. گاهی اختصار در همخوان‌ها و گاهی در واژه‌ها و یا هجاهاست. تخفیف واژگان معمولاً به منظور سهولت تلفظ و یا به دلیل ضرورت نظم صورت می‌گیرد. اغلب تخفیف‌ها در زبان فارسی در نظم اتفاق افتاده است. شواهد به دست آمده از متون ادب فارسی می‌نمایند که بیش از نود درصد واژگان مخفف در نظم روی داده است؛ چنانچه در نثر نیز بکار رفته باشد به جهت کثرت کاربرد در نظم و پذیرش و جریان آن در زبان و آنگاه سرایت آن به نثر بوده است؛ واژگانی چون: آذرنگ، آسیا، راستر، آبدس، هفصد، نستعلیق، کل، دشوار، خشم‌آلو و بسیاری واژه‌های دیگر از این نوع به شماراند.

فرآیند تحوّل در واک‌های زبان فارسی در چهار نوع: ابدال، قلب، ادغام و تخفیف روی می‌دهد (برومند، ۱۳۶۳: ۱۵۳-۱۵۲). تخفیف شامل‌ترین آنهاست و ممکن است به اشکال زیر باشد:

الف: همخوان‌ها

تخفیف همخوان‌ها در زبان فارسی به‌ویژه در دوره تکوین - که دوره انتقال نیز بوده است - نسبت به دوره‌های پسین بیشتر است. در همخوان‌های دخیل عربی تخفیف نادر و یا هیچ است؛ همخوان‌هایی چون ذ، ظ، ث، ط، ض از آن نوع اند. در صامت‌های هم‌مخرج تخفیف نسبتاً بیشتر است؛ صامت‌هایی چون: ف، ب، و/و یا اب، پ/و جز آنها.

نمونه‌هایی از تخفیف همخوان‌ها:

ب: آشوا/ آشوب، کوتتر/ کبوتر، تاول/ تابول، بام/ بامب
ت: بلندر/ بلندتر، هفصد/ هفتصد، دوسترین/ دوست‌ترین، کشاورز/ کشت‌آورز

آبدس/ آبدست، کرخ/ کرخت

ج: آرن/ آرنج، شکن/ شکنج

خ: زرنی/ زرنیخ، تابانه/ تاب‌خانه، دشوار/ دشخوار

چ: کل/ کچل

د: زو/ زود، دروگر/ درودگر، سو/ سود، مباد/ بوا، بواد

ر: تا/ تار، فرودین/ فروردین، شهروا/ شهرروا، گسنه/ گرسنه، است/ استر

ز: آوا / آواز، چی / چتر، پشی / پشیز
 ش: کاف / شکاف، گفته / شکفته، چم / چشم
 غ: پیام / پیغام، چندر / چغندر، شلم / شلغم
 ق: تتق / تق تق
 ک: خی / خیک، چکاو / چکاوک، تاری / تاریک، نون / کنون
 گ: رستار / رستگار، آون / آونگ، بر / برگ، ریوه / گریوه
 ل: شت / شتل، گوله / گلوله، کیک / کیلک، گسی / گسیل
 م: بو / بوم، چش / چشم، همانند / هم‌مانند، اهرن / اهرمن
 ن: آستی / آستین، کمی / کمین، زمی / زمین، لیک / لیکن
 ه: نوز / هنوز، میان / همیان، ستار / ستاره، ساد / ساده، تی / تهی
 ی: داره / دایره، گود / گوید، نرزد / نیرزد، مار / میار، نوشد / نیوشد

ب: تخفیف واژه‌ها

آ (ā) در آغاز کلمات: ستانه / آستانه، ژدن / اژدن، ژخ / آخ، زادسرو / آزاد سرو، رامش / آرامش
 آ (ā) در میان کلمات: نامور / نام‌آور، ستاوند / ستن‌آوند، زرگند / زراگند
 ا (a) در اول کلمات: فزایش / افزایش، بریشم / ابریشم، فراشته / افراشته بوذر / ابوذر
 ا (a) در میان کلمات: پالهنک / پالاهنگ، شخسار / شاخسار، ره / راه، شهباز / شاهباز
 او (ū) در میان کلمات: هوش / هوش، سته / ستوه، گره / گروه، شکفه / شکوفه، خشنود / خشنود
 و (o) در آغاز کلمات: مغیلان / ام‌غیلان، سطرلاب / اسطرلاب، ستخوانی / استخوانی
 ای (i) در میان کلمات: گرد / گیرد، چرکن / چرکین، چپه / چینه، رخت / رمخید
 ا (e) در آغاز کلمات: سکندر / اسکندر، ستبرق / استبرق، براهیم / ابراهیم، سفندیار / اسفندیار

ج: تخفیف تک‌واژه‌های اشتقاقی

همانند واژه‌ها و هم‌خوان‌ها تخفیف در تک‌واژه‌های اشتقاقی نیز رایج است؛ این نوع تخفیف در برخی وابسته‌ها همچون صفت فاعلی و مفعولی با وندهای اشتقاقی پرکاربرد بیشتر از تک‌واژه‌های اشتقاقی دیگر صورت پذیرفته است. این مقاله می‌کوشد تا با برشمردن گونه‌های متفاوت از تک‌واژه‌های اشتقاقی، واژگان مشتق را بر اساس نمونه‌های دریافتی از متون بازنماید و پس از ارایه منظم آنها و بیان نمونه، به نتیجه دریافتی از آن بپردازد.

الف - تک‌واژه‌های اشتقاقی

۱- تخفیف تک‌واژه‌های اشتقاقی صفت‌ساز فاعلی

۱-۱- تخفیف تک‌واژه اشتقاقی «ا»: گوار/گوارا، اشنو/اشنوا

چون زبان از نیک و از بد رسته شد هم ز اشنو هم ز گویا ایمنیم
تشنه می‌گوید که کو آب گوار؟ آب می‌گوید که کو آن آب‌خوار؟

(مولوی)

۱-۲- تخفیف تک‌واژه اشتقاقی «نده»: گستر/گسترنده، خشای/خشاینده،

ران/راننده، گیر/گیرنده

زهی بزم را ابر دینار قطره زهی رزم را خسرو رزم گستر
شهریار شرق شمس‌الدین علی خسرو ظالم کش عاجز خشای

(نزاری قهستانی)

روز صیادم بُد و شب پاسبان تیز چشم و صیدگیر و دزدان

(مولوی)

۱-۲-۱- تخفیف بخشی از تک‌واژه اشتقاقی «نده»

ز باریکی و سستی هر دو پاییم تو گویی بی شکی پای تنند است

(فرهنگ نظام)

ره تنگ عشق است پست و بلند ولی چون دم ارّه باشد برند
ز دام کار تنه چون مگس فرار کند قضای روزی او بسته راه پروازش

(دهخدا)

۱-۳- تخفیف تک‌واژه اشتقاقی «ان»: گری/گریان، خند/خندان، کش/کشان

بینند به خون خصم و بر خصم تیغ تو گری و آسمان خند

(خاقانی)

می‌گریزد از ما و ما قوامش داریم زن زانیش آریم کش کشانش آریم

(مولوی)

۴-۱- تخفیف بخشی از تکواژ اشتقاقی «گار»

گر همی گوید که یک بد را بدی هم یک دهد باز چون گوید که هرگز بدکنش رستار نیست
(ناصر خسرو)

۲- تخفیف تکواژهای اشتقاقی صفت مفعولی

۲-۱- تخفیف تکواژ اشتقاقی «ه»

زربفت / زربفته، بغداد / بغداده، اندود / اندوده، گشاد / گشاده، تود / توده، رست / رسته،
سر بست / سر بسته، دیوزد / دیوزده

همیشه تا که بود باد دشت مهرآگین همیشه تا که بود مهر گوی زر اندود
سینه گو شعله آتشکده فارس بکش دیده گو آب رخ دجله بغداد ببر

(حافظ)

بگسترده بر جای زربفت برد به مرمر برافشاند دینار خرد

(اسدی)

سوی خانه خود به یک ترکتاز به چشم فروبستش آورد باز

(نظامی)

سپر حادثه چرخ بود روی گشاد زخم کمتر خورد آن پسته که خندان شده است

(صائب)

گهی چون دیوزد بیهوش گشتی فغان کردی و پس خاموش گشتی

(فخرالدین اسعد گرگانی)

که درد زه از آن دارد که تا شهزاده ای زاید نتیجه سربلند آمد چو شد سر بست اندیشه

(مولوی)

آسمان نسبت به عرش آمد فرود ورنه بس عالی است پیش خاک تود

(مولوی)

همیشه تا که باشد سرو و سوسن به بستان بر کشیده هر یکی رست

(فرخی)

۲-۲- تخفیف تک‌واژ اشتقاقی «ار» مفعولی

ور بزرگی به فضل خواهد بود فضل او را پدید نیست کنار

(فرخی)

۳- تخفیف تک‌واژهای اشتقاقی نسبت

۳-۱- تخفیف تک‌واژ اشتقاقی «ه» نسبت: تخت / تخته، پایگاه / پایه‌گاه

همه سقف بو دیوارها و زمین بیوشید بر تختهٔ آبگین

(امانی)

یکی تخت جامه بفرمود شاه که آنجا بیارند پیش سپاه

(فردوسی)

به عقلش بیاید نخست آزمود به قدر هنر پایگاهش فزود

(سعدی)

۳-۲- تخفیف تک‌واژ اشتقاقی «ان» نسبت: بدخش / بدخشان، شباروز / شبانه‌روز

بازارگان عیش و زجام بدخش جرم بازارگان جرم و بدخشان شکستنش

(خاقانی)

۳-۲-۱- تخفیف بخشی از تک‌واژ «ان» نسبت

بعد از سه شباروز خواجه بوعلی برفت

(اسرار التوحید)

سخن جای دگر بردم از آن سردی بیفتادم نشاید بیدلا گفتن بیا تا بگذرم زین‌ها

(نزاری قهستانی)

۴- تخفیف تک‌واژهای اشتقاقی مکانی

۴-۱- تخفیف تک‌واژ اشتقاقی «گاه»

و گذر رسول بیاراسته بودند نیکو.

(تاریخ بیهقی)

گذر بود چندان که جنگی سوار میانش به تنگی بکردی گذار

(فردوسی)

۴-۲- تخفیف تک‌واژه اشتقاقی «ستان»

در هوا می‌کرد خود بالای برج که هزیمت می‌شد از وی روم و گرج
(مولوی)

۴-۲-۱- تخفیف بخشی از تک‌واژه «ستان»

یکی گورسان کرد از آن دشت کین که جایی ندیدند پیدا زمین
(فردوسی)

بر این دشت من گورسانی کنم برومند را شورسانی کنم
(فردوسی)

۵- تخفیف تک‌واژه اشتقاقی مصدر

۵-۱- تخفیف تک‌واژه مصدری «ن»

آن را که به کین جستن او تیر و کمان خواست بیرون شدش از گیتی با تیر و کمان باد
(فرخی)

چو بستانی ببایدت داد کز داد و ستد جهان شد آباد
(نظامی)

مرد دین تا بجست دینار است همچو ناقه درست بیمار است
(سنایی)

۵-۲- تخفیف تک‌واژه مصدری «ی»

چون موی زنگیم سیه و کوتاه است روز از ترکناز هندوی آشوب گسترش
(خاقانی)

هر کجا در هر دو گیتی فتنه‌ای است ترکناز طره هندوی تست
(عطار)

۵-۳- تخفیف تک‌واژه مصدری «ه»

غمزش از غمزه تیز پیکان تر خندش از خنده شکر افشان تر
(نظامی)

۴-۵- تخفیف تک‌واژ مصدری «ش»

بر نیایی با وی و استیز او رو بر یاری بگیر آمیز او

(مولوی)

اول ای جان دفع شرّ موش کن وانگهی در جمع گندم کوش کن

(مولوی)

ب- تخفیف عنصر ماضی ساز فعل

۱- تخفیف نشان ماضی «د»

جمله اهل بیت خشم آلو شدند که همه در شیر بز طامع بدند

(مولوی)

پر سبک دارد ره بالا کند چون گل آلو شد گرانیها کند

(مولوی)

شادی و نشاط ما یکی شش کردی عیشت خوش با که عیش ما خوش کردی

(ابوسعید ابالخیر)

۲- تخفیف نشان ماضی «اد»

که ای مدعی عشق کار تو نیست که نه صبر داری نه یارای ایست

(سعدی)

نیششان از جست و جو یک لحظه ایست از پی همشان یک دم ایست نیست

(مولوی)

۳- تخفیف نشان ماضی «ست»

زهی تن هنر و چشم نیک نامی را چو روح در خورد و همچون دو دیده اندر بای

(فرّخی)

مهرگان رسم عجم داشت به پای جشن او بود چو چشم اندر بای

(فرّخی)

۴- تخفیف نشان ماضی «ت»

کشاورز با مرد دهقان نژاد یکی شد بر ما به هنگام داد

(فردوسی)

- کشاورز یا مردم پیشه ور کسی کو به رزمت نبندد کمر
(فردوسی)
- از حبوبات در همه کश्مان نیست چندانکه در کشند به فسخ
(نزاری قهستانی)
- کश्مان پر ز خوید بهشت معین است گوئی فضای خاطر پاکیزه من است
(نزاری قهستانی)

۵- تخفیف نشان ماضی «د»

- تابش رخسار تو از راه چشم کرد خورنگاه دل از ارغوان
(خاقانی)
- میرزا همه وقت جامه زرتاری نیست پیوسته سپهر بر سر یاری نیست
(عبدالرزاق فیاض از فرهنگ نظام)
- نوح دروگر نبود گر پدر من بدی قنطره بستی ز چوب بر سر طوفان او
(خاقانی)
- شدم من به اندرز من بگروید به زمن پاک بدرود و خشنو شوید
(اسدی)
- ما برفتیم و تو دانی و دل غمخوار ما بخت بد تا به کجا می برد آبشخور ما؟
(حافظ)

۶- تخفیف نشان ماضی «ید»

- نیک بخت آنکه بنده اوست در همه کارها پسندۀ اوست
(سنایی)
- ۷- تخفیف «ن» از ستاک حال
- ستاده مرکب غران به جای بربط و چنگ گرفته خنجر برآن به جای جام شراب
(مسعود سعد)
- ما سر به غیر حضرت تو نیاوریم سلطان ز بنده تو نیارد ستاد باج
(شاهداعی شیرازی از فرهنگ نظام)

ج- تخفیف واج‌های هم‌مخرج ۱- «ر» آذرنگ - آذرنگ

فروغی پدید آمد از هر دو سنگ دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ
(فردوسی)

۲- «ب» آبست - آب‌بست

مرزبان گفت که این دخترکان بیگنه‌اند هیچ شک نیست که آبست ز خورشید مه‌اند
(منوچهری)

د- تخفیف واج‌های میانجی

نیست بافنده او به دست‌افزار نه به ما کونورد و پا افشار
(آذری ازرشیدی)

شرک پادار شد هلاکش کن کعبه بتخانه گشت پاکش کن
(سنایی)

کرد کنج عزلت این جاگه قبول او شنید این جایگه گفت رسول
(عطار)

نتیجه

همراه با تحولات معنایی واژگان و یا تحولات نحوی در سطح زنجیره زبان، تحول در سطح واج و تک‌واژه‌های زبان فراوان است و اینکه برخی این تحولات را برخاسته از تأثیر لهجه‌ها دانسته‌اند، نمی‌تواند نظر کاملی باشد زیرا تخفیف‌های تک‌واژه‌های اشتقاقی در مقوله اسم و یا عناصر فعل نشان می‌دهد که افزون بر تأثیر لهجه‌ها، عوامل دیگری چون سهولت تلفظ و تخفیف واج‌های هم‌مخرج و قالب نظم در کاهش واج و تک‌واژه‌ها دخیل‌اند. البته تک‌واژه‌های صفات فاعلی و مفعولی بیشتر از تک‌واژه‌های اشتقاقی دیگر در معرض تخفیف بوده‌اند و تأثیر نظم در تخفیف واژگان و جریان آن در زبان با گذشت روزگار موجب به‌کار گرفتن و سپس رواج آن در نثر معیار شده است چنانکه امروزه توجه به این نکته که واژه‌های آذرنگ، شهروا، همانند، برومند، زرگند، دهن، دروگر و بسیاری دیگر از واژه‌ها مخفف‌اند، بعید به نظر می‌آید. بنابر آنچه گذشت می‌نماید که:

الف: تخفیف نه تنها در واژه‌ها و هم‌خوان‌ها بلکه در تک‌واژه‌های اشتقاقی و عناصر فعل نیز رخ داده است.

ب: در تک‌واژه‌های اشتقاقی، صفت‌های فاعلی و مفعولی بیش از دیگر صفت‌ها مخفف شده‌اند.

ج: در عناصر فعلی، تخفیف اغلب در نشانه‌های ماضی صورت گرفته است.

د: در تک‌واژه اشتقاقی مصدر نیز تخفیف «ن» فراوان روی داده است.

کتاب‌نامه

- اسدی طوسی، حکیم ابونصر علی بن احمد. (۱۳۱۷). *گرشاسب‌نامه*. به اهتمام حبیب یغمایی. تهران: کتابخانه بروخیم.
- برومند، جواد. (۱۳۶۳). *دگرگونی‌های واژگان در زبان فارسی*. تهران: انتشارات توس.
- بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۸۰). *تاریخ بیهقی*. به کوش خلیل خطیب رهبر. تهران: مهتاب.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۶). *دیوان غزلیات*. به کوشش خطیب رهبر. تهران: صفی‌علیشاه.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل‌بن‌علی. (۱۳۵۷). *دیوان اشعار*. به کوشش ضیاء‌الدین سجادی. تهران: زوار.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی، با نظارت موسسه‌ی لغت‌نامه دهخدا. دانشگاه تهران.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۲). *بوستان سعدی*. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی‌علیشاه.
- سنایی، حکیم ابوالمجدوب‌بن‌آدم. (۱۳۶۲). *دیوان اشعار*. به سعی و اهتمام مدرس رضوی. تهران: سنایی.
- صائب تبریزی. (۱۳۶۴). *کلیات اشعار*. با مقدمه محمد عباسی. تهران: نشر طلوع.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. (۱۳۸۱). *دیوان اشعار*. با مقدمه و حواشی محمود علمی. تهران: بدرقه جاویدان.
- فرخی سیستانی. (۱۳۷۷). *دیوان اشعار*. به تصحیح علی عبدالرسولی. تهران: دنیای کتاب.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). *شاهنامه*. به تصحیح زول مول با مقدمه‌ی سیاوش آگاه. تهران: بیگی.

محمدبن منور. (۱۳۷۸). *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*. به اهتمام صفا. تهران: فردوس.

مسعود سعد سلمان. (۱۳۷۰). *دیوان اشعار*. با مقدمه ناصر هیری. تهران: نشر گل فام.

منوچهری دامغانی. (۱۳۷۸). *دیوان اشعار*. به کوشش محمد دبیر سیاقی. تهران: زوار.

مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۷۴). *مثنوی*. به اهتمام رینولد نیکلسون. تهران: امیرکبیر.

ناصر خسرو قبادیانی. (۱۳۶۷). *دیوان اشعار*. به اهتمام مجتبی مینوی. تهران: دنیای کتاب.

نزاری قهستانی. (۱۳۷۱). *دیوان اشعار*. به تصحیح و تحشیه و تعلیق و دیباچه مظاهر مصفا. تهران: علمی.

نظامی گنجوی. (۱۳۸۴). *کلیات*. به تصحیح وحید دستجردی. تهران: پیام توسعه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی